

تجلی احادیث موضوعه در اشعار زن ستیزانه فارسی

راضیه شیرینی*

چکیده

احادیث موضوعه که بخش قابل توجهی از احادیث مندرج در مصادر حدیثی را به خود اختصاص داده است، گاه در میدان فکری شعراء، چنان تأثیری گذاشته است که در اشعار و سروده های آن ها به شکل آشکار تجلی یافته است؛ به طوری که می توان گفت سروده های آنها در مورد تقبیح منزلت و شخصیت زن به گونه ای کاملاً ملموس مقتبس از همین احادیث موضوعه بوده است. شاعران با الهام از این دسته از احادیث نگرش خود پیرامون ابعاد مختلف شخصیتی و حقوقی زن را شکل داده و آن را در سروده های خود وارد نموده اند. این احادیث توسط برخی اندیشوران مورد بررسی قرار گرفته و سعی بر پالایش مصادر حدیثی از آنها شده است، در این مقاله سعی شده است با انعکاس دیدگاه برخی شعرای فارسی زبان در سروده های زن ستیزانه آنها به مواردی از احادیثی که به عقیده اندیشوران احادیثی جعلی و موضوعه تلقی می گردند، اشاره شود.

کلید واژه ها:

زن، شعر، فارسی، حدیث، موضوعه

* - دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۵/۲۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۳/۲۰

مقدمه

زنان که نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند، در طول تاریخ گرفتار تبعیض‌های ناروا از سوی جنس مخالف خود بوده‌اند؛ می‌توان گفت غالب تاریخ زندگی انسانها با مردسالاری عجین بوده است. تاریخ بیانگر این حقیقت است که زنان در دوره قبل از اسلام از حقوق مسلم خود محروم بودند و زن به عنوان انسان فرودست نسبت به مرد محسوب می‌شده است. بعد از ظهور اسلام علی‌رغم این که به زنان شخصیت و جایگاه والایی داده شد و زنان توانستند در سایه فرهنگ اصیل اسلامی حقوق از دست رفته خود را بازیابند، ولی به مدت بسیار کمی بعد از پیامبر (ص) طرز نگرش مثبت همراه با تکریم به زنان در جوامع اسلامی به نگرش منفی مبدل گردید و در این راستا بعد از پیامبر (ص) همراه با جعل روایات اسلامی، روایاتی نیز در زمینه‌های مختلف شخصیتی و حقوقی و ... در حوزه زنان جعل و وضع گردید. احادیث مذکور در طی قرون متمادی نقل به نقل و دست به دست منتقل گردید و کاملاً در لابلای احادیث صادره از معصومین خلط و به عنوان حدیث صادره از معصوم تلقی گردید و این امر سبب شد تا تفکیک آنها از احادیث صحیح و منقول از معصوم نامیسر و مشکل شود. در این میان افراد متخصص در زمینه‌های گوناگون با استناد به احادیث که احادیث موضوعه نیز در میان آنها خودنمایی می‌کرد، به نقل و گاه به اثبات دیدگاه‌های خود پرداختند. شعرا نیز از این آفت، مصون نبوده و ناخواسته با اقتباس از این دسته از احادیث اشعاری سرودند.

احادیث موضوعه مرتبط با زن که غالباً در راستای ترویج تقبیح منزلت آنان وضع شده بودند مورد استفاده شعرا قرار گرفت و بدین وسیله اشعاری زن ستیزانه از سوی شعرای فارسی زبان سروده شد که توجه به موضوعه بودن آنها و عدم صدور آنها از معصوم، عدم صحت منبع نقل استنادات شعرای مذکور را اثبات می‌نماید. از این رو در این مقاله برخی از جنبه‌های شخصیتی و حقوقی زن از قبیل فساد انگیزی و شورت زنان و مانعیت آنان در طریق کمال مرد، نقصان عقلی و عدم مطاعیت و طرف مشورت قرار گرفتن و حق حیات، حق دانش اندوزی، حق خروج از خانه مورد بررسی قرار گرفته است. لذا ابتدا احادیث موضوعه، طرح و سپس اشعار مرتبط، ذکر می‌گردد.

مفهوم شناسی

تبیین مفهوم حدیث:

«حدیث» از ریشه «حدث» بوده و لغویون، آن را در لغت به هر چیز نو و جدید و هر آن چه در ابتدا نبوده و بعداً به وجود آمده است، معنی کرده اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۱۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۳۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۲۲۲؛ قریشی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۱۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۷۶؛ مهیار، بی تا: ۲۲)

حدیث در اصطلاح محدثین شیعه، عبارت از گزارش قول و فعل و تقریر معصوم (ع) بوده (مامقانی، ج ۱: ۵۷؛ الفضلی، ۱۴۱۶: ۳۳) و در اصطلاح محدثین اهل سنت آن چیزی است که به پیامبر (ص) منسوب است (ابن رجب، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۳۷) یا عبارت از فعل، قول و تقریر پیامبر (ص)، صحابیان و تابعان می باشد. (سیوطی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۳؛ عسقلانی، ۱۴۲۲: ۱۵۳)

تبیین مفهوم وضع:

«وضع» در لغت در برابر واژه رفع و به معنای پایین آوردن (فیومی، ۱۴۲۵: ۶۶۳)، انداختن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۴۰۴)، قرار دادن چیزی در محلی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳: ۱۳؛ قریشی، ۱۳۶۱، ج ۷: ۲۲۴) می باشد. وضع، در اصطلاح دانشمندان حدیث، نسبت دادن سخن دروغین به معصومین (ع) می باشد.

مفهوم حدیث موضوعه:

حدیث موضوعه در اصطلاح حدیثی، به حدیث دروغین و ساختگی گفته می شود که جاعلش آن را ساخته و به معصوم نسبت داده است.

اشعار زن ستیزانه:

منظور از اشعار زن ستیزانه اشعاری است که درباره زن توسط شعرا سروده شده و سعی شده است به گونه ای مقام و شخصیت زن را متزلزل ساخته و مادون شخصیت مرد نشان داده یا او را از حقوق مسلم خود کنار بزنند.

عقاید عوام نسبت به زنان:

بررسی تاریخی حکایت از آن دارد که در طول تاریخ، زنان مورد بی‌مهری و ظلم قرار گرفته‌اند. وضعیّت زنان در جاهلیت عموماً همراه با تحقیر و نابرابری با مردان بوده است. نگاه به زن به عنوان موجودی پست بود. زن را مظهر مکر و نیرنگ دانسته و عقیده داشتند زن همانند شیطان در پی فریب دادن مردان است. باورها، عادت‌ها و عرف‌های جاهلی چنان بود که زن را از برخی حقوق انسانی‌اش محروم نموده بود. اشاعه ضرب‌المثل‌ها و شعرهایی پیرامون شومی و سستی نظر و عدم اعتماد به زن و مکر و حیلۀ زنان نشان از این دیدگاه نسبت به زنان دارد. تعصب و سخت‌گیری برخی از صحابه که توانایی غلبه بر فرهنگ موروثی خود را نداشتند، زمینه جعل حدیث علیه زنان را فراهم می‌نمود. منقول است روزی خلیفه دوم شنید زنی این شعر را می‌خواند: «إِنَّ النِّسَاءَ رِيَّاحِينَ خُلِقْنَ لَكُمْ وَكُلُّكُمْ يَشْتَهِي شَمَّ الرِّيَّاحِينَ فَقَالَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِنَّ النِّسَاءَ شَيَاطِينَ خُلِقْنَ لَنَا نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ». (زنان گل و ريحان‌اند که برای شما مردان خلق شده‌اند، در حالی که شما مردان همه عاشق بوی گل و ريحان هستید) عمر در جواب آن زن گفت: زنان شیطان‌هایی هستند که برای ما مردان خلق شده‌اند، خدایا ما از شرّ شیاطین به تو پناه می‌بریم. (الجزائری، ۱۴۲۴: ج ۲ / ۱۰۶؛ المناوی، ۱۳۵۶: ج ۲ / ۱۷۵)

اعتراضاتی که صحابه بر حضور زنان در مساجد یا اجتماعات مسلمانان و کوشش بر منع زنان از این امور می‌کردند شاهدی بر این طرز نگرش نسبت به زنان بوده است. به عنوان نمونه روایات زیادی بر شدت تعصب و سخت‌گیری خلیفه دوم بر زنان و حبس کردن آنان در خانه نقل شده است. جاحظ در «البیان و التبیین» از عمر نقل می‌کند که: «اکثروا لهن من قول (لا) فان (نعم) لیضربهن علی المسأله» (الجاحظ، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۰) یعنی بیشتر به زنها (نه) بگوئید. زیرا (بلی) آنان را در خواهش جری تر می‌کند. زمخشری نیز در تفسیر کشاف ذیل آیه ۵۳ سوره احزاب می‌نویسد: «عمر خیلی علاقه مند بود که زنان رسول خدا در پرده باشند و بیرون نروند، زیاد این مطلب را به میان می‌گذاشت. به زنان پیغمبر می‌گفت: اگر اختیار با من بود، چشمی شما را نمی‌دید. یک روز بر آنان گذشت و گفت آخر شما با سایر زنان فرق دارید؛

همچنانکه شوهر شما با سایر مردان فرق دارد. بهتر است به پرده در شوید. زینب همسر رسول خدا گفت: پسر خطاب! وحی در خانه ما نازل می‌شود و آنگاه تو نسبت به ما غیرت می‌ورزی و تکلیف معین می‌کنی؟»

از «عوتب الکسائی» نیز مطالبی در مورد ترک ازدواج با زنان به دلیل وجود شخصیت منفی زنان نقل شده است. (زمخشری، ۱۴۱۲: ج ۱/ ۴۶۳)

لذا در زمان‌های بعد نیز به دلیل ته مانده های افکار و رسوم جاهلیت میان برخی مسلمانان و مفسران و مورخان بر چنین روایاتی اعتماد ورزیده و آن‌ها را در کتب سیره و حدیث وارد نمودند به طوری که نزد برخی از آنها به عنوان فرهنگ اسلامی به حساب آمد. رواج ضرب المثل‌هایی در نکوهش زن نظیر شوم بودن زنان، در میان مسلمانان سبب می‌شد تا به راحتی زمینه گسترش احادیث جعلی پیرامون زن فراهم گردد. لازم به ذکر است که این طرز نگرش به زنان سبب شده بود که حتی خود زنان نیز خود را عامل گناه معرفی کنند. ابن بطال در شرح صحیح بخاری می‌نویسد: «وقد روی عن بعض أمهات المؤمنین أنها قالت: من شقائنا قدّمنا علی جمیع الشهوا فالمحنة بالنساء أعظم المحن علی قدر الفتنة بهن، وقد أخبر الله مع ذلك أن منهن لنا عدواً، فینبغی للمؤمن الاعتصام بالله، والرغبة إليه فی النجاة من فتنتهن، والسلامة من شرهن. یکی از شقاوت‌های ما این است که اسم ما در قرآن قبل از همه شهوت‌ها آمده است، پس مصیبتی که از جانب زنان وارد می‌شود، بزرگترین مصیبت است؛ به اندازه فتنه‌ای که از جانب آن‌ها ایجاد می‌شود. خداوند با این حال خبر داده است که برخی از زن‌ها دشمن ما هستند؛ پس شایسته است که مؤمن به خدا پناه بیاورد، و برای نجات از فتنه آن‌ها و سالم ماندن از شر آن‌ها به خدا روی بیاورد.» (ابن بطال، ۱۴۲۳: ۱۸۸/۷) لذا زنی که تا دیروز به دست پدر زنده به گور می‌شد و بعد از اسلام هم با وجود گرایش برخی قبائل عرب به اسلام موجب سرشکستگی تلقی می‌شد، چه تضمینی برای مصونیت حقوقش وجود دارد؟ در اینجا دیگر لازم نبود خلیفه‌ای جایزه عطا کند تا احادیثی جعلی صادر و عرضه شود، زمینه‌ها برای جعل حدیث در حوزه زنان مساعد بود. محمد غزالی به این امر اشاره نموده و می‌نویسد: «مسلمانان در برخورد با زنان از مسیر تعالیم شریعت اسلام منحرف گشته اند و روایات مجعول و مدسوس

در میان آنان گسترش یافته است. از این رو زن مسلمان به ورطه جهل و غفلت از دین و دنیا سقوط کرده است. ... در حقیقت این روزگار تداوم عصر جاهلیت است.» (ابوشقه ۱۴۱۰، ۵ / ۱) بدین ترتیب به نظر می‌رسد که این طرز نگرش در طول زمان بر شعرا نیز تأثیر گذاشته و شعرا با تساهل با این گونه از احادیث برخورد نموده‌اند و با اقتباس از احادیث مزبور اشعاری زن ستیزانه سروده‌اند.

احادیث موضوعه در اشعار:

احادیث موضوعه در اشعار را می‌توان در قالب شخصیت زن و حقوق زن بررسی نمود:
احادیث مرتبط با شخصیت زن:

- بازدارندگی از عبودیت و راه کمال:

حدیث: «لَوْ لَأَ النِّسَاءُ لَعَبَدَ اللَّهُ حَقًّا حَقًّا» (المتقی الهندی، ۱۹۸۹/۲۸۶؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ج ۲ / ۲۴۴، سیوطی، ۱۴۲۳: ج ۳ / ۴۷) (اگر زنان نبودند، حق عبادت خداوند ادا می‌شد).

قائلین به موضوعه بودن حدیث:

در کتب الموضوعات (ابن جوزی، ۱۴۱۵: ۱۳۳/۲)، «تنزیه الشریعة المرفوعه» (الکنانی، ۱۹۸۱، ج ۲: ۲۰۴)، «ذخیره الحفاظ» (ابن طاهر المقدسی، ۱۴۱۶: ج ۴ / ۲۰۱۱)، «الفوائد المجموعه» (الشوکانی، ۱۴۰۷: ج ۱ / ۱۱۹)، «سلسله الاحادیث الضعیفه و الموضوعه و اثرها» (ألبانی، ۱۴۱۲: ج ۱ / ۱۳۹) به موضوعه بودن حدیث حکم شده است.

حدیث «لولا المرأة لدخل الرجل الجنة» (المناولی، ۱۴۱۵: ج ۵ / ۴۳۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۱ / ۱۷۱۴۵؛ سیوطی، ۱۴۲۳: ج ۳ / ۴۶) (اگر زنان نبودند، مردان وارد بهشت می‌شدند).

قائلین به موضوعه بودن حدیث:

از قائلین به وضع حدیث مزبور، می‌توان به «الشوکانی» (الشوکانی، ۱۴۰۷: ج ۱ / ۱۱۹)، «سیوطی» (سیوطی، بیتا: ج ۲ / ۱۳۴)، «الفتنی الهندی» (فتنی الهندی، ج ۱ / ۹۲۴)، «الکنانی» (الکنانی، ۱۹۸۱: ج ۲ / ۲۰۲)، «العجلونی» (العجلونی، ۱۴۰۸: ج ۲ / ۱۶۵) و «ألبانی» (ألبانی، ۱۴۰۸: ج ۱ / ۱۹۹) اشاره نمود.

تجلی احادیث فوق در شعر:

«سید عطاء الدین مجدی» شعر زیر را که هم مضمون با حدیث «لولا المرأة لدخل الرجل الجنة» می باشد، سروده است:

نبودی اگر در جهان هیچ زن
که بر عقل مردان شدی راهزن
بجنت بدی بیگمان جای مرد
نبودی کسی با کس اندر نبرد
(مجدی، ۱۳۶۹: ۲۸۳)

«سعدی» با اقتباس از این حدیث، ازدواج را عامل بازدارنده از طریق سیر در ملکوت معرفی نموده است:

ای گرفتار و پای بند عیال
دگر آسودگی میند خیال
غم فرزند و جامه و قوت
بازت آرد ز سیر در ملکوت
(سعدی ۱۳۷۴: ۴۲۱)

صادق سرمد نیز با همین مضامین بر زن تاخته است:

بر سنت زواج مرا خود عقیده بود
وین زن ز من عقیده شرع و سنن گرفت
(سرمد: ۸۶)

از شعر «رهی معیری» نیز که زن را سراپا موجودی زیان آور می داند، مانعیت او در کمال مرد قابل برداشت است. آنجا که می گوید:

ز طبع زن بغیر از شر چه خواهی؟
از این موجود افسونگر چه خواهی؟
اگر زن نو گل باغ بهار است
چرا چون خار سر تا پا زیان است؟
(معیری، ۱۳۸۳: ۳۶۹)

- نقصان عقلی زنان:

از احادیثی که می توان به عنوان شاهی بر نقصان عقل زنان استفاده کرد، احادیث نهی از مشورت با زنان می باشند که توسط برخی اندیشوران مسلمان مورد نقد قرار گرفته و به عنوان احادیث موضوعه قلمداد شده اند. این احادیث عبارتند از:

۱- «لَا يَفْعَلَنَّ أَحَدُكُمْ أَمْرًا حَتَّى يَسْتَشِيرَ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ مَنْ يَسْتَشِيرُ فَلْيَسْتَشِرْ امْرَأَتَهُ ثُمَّ يَخَالَفُهَا فَإِنَّ فِي خِلَافِهَا بَرَكَةً» (شیخ طبرسی، بی تا: ۱/ ۴۵۶؛ الدیلمی الهمذانی، ۱۴۰۶: ۵/ ۱۲۲)

قائلین به موضوعه بودن حدیث:

در کتابهای زیر حدیث مزبور به عنوان حدیث موضوعه معرفی شده است:

«الاسرار المرفوعه فی الاخبار الموضوعه» (ملا علی قاری، ۱۳۹۱: ج ۱ / ۲۲۲)، «الدرر المنتشره» (سیوطی، ۱۴۰۸: ج ۱ / ۱۲)، «الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه» (الشوکانی، ۱۴۰۷: ج ۱ / ۱۳۰)، «تذکره الموضوعات» (فتنی الهندی، بی تا، ۱ / ۹۲۴)، «تنزیه الشریعه المرفوعه» (الکنانی، ۱۹۸۱: ج ۲ / ۳۰۸)، «کشف الخفاء» (العجلونی، ۱۴۰۸: ج ۲ / ۵۱۵)

۲- «شاوروهن و خالفوهن» (احسائی، ۱۴۰۵: ۱ / ۲۹۰؛ مجلسی، ۱۹۸۳م: ۷۴ / ۱۶۷) (با زنان مشورت نموده و مخالف آن عمل نمائید).

قائلین به موضوعه بودن حدیث:

در کتابهای «الأسرار المرفوعه فی الاخبار الموضوعه» (ملا علی قاری، ۱۳۹۱: ج ۱ / ۲۲۲)، «الدرر المنتشره» (سیوطی، ۱۴۰۸: ج ۱ / ۱۲)، «الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه» (الشوکانی، ۱۴۰۷: ج ۱ / ۱۳۰)، «المقاصد الحسنه» (السخاوی، بی تا، ج ۱ / ۱۳۴) «تذکره الموضوعات» (فتنی الهندی، بی تا، ج ۱ / ۹۲۴) «تنزیه الشریعه المرفوعه» (الکنانی، ۱۹۸۱: ج ۲ / ۳۰۸) «کشف الخفاء» (العجلونی، ۱۴۰۸: ج ۲ / ۵۱۵) حدیث مزبور به عنوان حدیث موضوعه معرفی شده است.

۳- «فی خِلافِهنَّ اَلْبِرْکَةُ» (الجوهری البغدادی، ۱۴۱۰: ج ۶ / ۲۹۴) (برکت در مخالفت با زنان است). حدیث مزبور توسط برخی اندیشوران نظیر «سیوطی» (همو، ۱۴۰۸: ج ۱ / ۱۲)، «الکنانی» (همو، ۱۹۸۱: ج ۱ / ۶۱) و «سخاوی» (همو، بی تا، ج ۱ / ۱۳۴) به عنوان حدیث موضوعه معرفی شده است.

۴- «هلکت الرجال حین أطاعت النساء» (الطبرانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۳۱؛ المتقی الهندی، ۱۹۸۹: ۱۶ / ۲۸۷) (مردان زمانی که از زنان اطاعت کنند، به هلاکت می رسند).

قائلین به موضوعه بودن حدیث:

در کتب «أسنى المطالب» (الحوت، ۱۴۰۳: ۱ / ۳۱۲)، «اللؤلؤ المرصوع» (الطرابلسی، ۱۴۱۵، ج ۱ / ۱۰۲)، «الدرر المنتشره» (سیوطی، ۱۴۰۸: ۱ / ۱۲)، «الفوائد المجموعه» (الشوکانی، ۱۴۰۷: ج ۱ / ۱۳۰)، «اللآلیء المصنوعه» (سیوطی، بی تا: ۱ / ص ۱۴۷)، «تنزیه الشریعه المرفوعه» (الکنانی، ۱۹۸۱: ۲ / ۲۰۸)، «المقاصد الحسنه» (سخاوی، ۱ / ۱۳۴) «تذکره الموضوعات» (فتنی الهندی، بیتا: ج ۱ / ۲۸۷)، وضع حدیث مزبور مطرح گشته است.

تجلی احادیث در شعر:

مولانا مضمون احادیث فوق را در بیت زیر سروده است:

گفتست مصطفی که زن مشورت مگیر این نفس ما زنت اگر چه که زاهده ست.

(مولانا، ۱۳۸۲: ۱۳۵)

مولانا در جای دیگر در ضمن این که زن را موجودی دنی و پست دانسته به مخالفت با

رای و عقیده وی در صورت مشورت با او به عنوان فرموده پیامبر (ص) اشاره کرده است.

گفت گر کودک در آید با زنی	کو ندارد رای و عقل روشنی
گفت با او مشورت کن و آنچه گفت	تو خلاف آن کن و در ته افت
نفس خود را زن شناس از زن بتر	ز آنکه زن جزوی است نفست کل شر
مشورت با نفس خود گر می کنی	هر چه گوید، کن خلاف آن دنی

(مولانا، ۱۳۶۹: ۱۰۴)

گر ندانی ره، هر آنچه خر بخواست	عکس آن کن خود بود آن راه راست
شاووهن پس آنکه خالفوا	انّ من لم یصهنّ تالف

(مولانا، ۱۳۶۹: ۱۴۲)

شیخ محمود شبستری نیز با بیت زیر بر لزوم عدم پیروی زنان اشاره نموده است:

به گفتار زنان هر گز مکن کار	زنان را نا توانی مرده انگار
زنان چون ناقصان عقل و دینند	چرا مردان ره آنان گزینند؟

(شبستری: ۹۰)

فردوسی نیز در ضمن بیان این که زنان تدبیر و عقل کاملی ندارند از مردان خواسته است که به فرمان زن کاری انجام ندهند:

به کاری مکن نیز فرمان زن که هرگز نبینی زنی رای زن
(فردوسی، ۱۳۸۲: ۹۸۲)

رستم هنگامی که از کشته شدن سیاوش که سودا به عامل اصلی آن بود، باخبر می‌شود، چنین می‌گوید:

کسی کو بود مهتر انجمن کفن بهتر او را ز فرمان زن
سیاوش به گفتار زن شد به باد خجسته زنی کو ز مادر نژاد
(همان: ۳۸۱)

وی در این ابیات کفن را بهتر از فرمان و اطاعت از زن دانسته است.

فردوسی در ابیاتی دیگر از طرف مشورت قرار گرفتن و گفتن راز خود به زن نهی کرده است:

که پیش زنان راز هرگز مگوی چو گویی سخن بازیابی به کوی
بدو گفت کز مردم سرفراز نزبید که با زن نشیند به راز
(همان: ۹۸۰)

در جای دیگر :

دگر بشکنی گردن آز را نگویی به پیش زنان راز را

صائب تبریزی در ابیاتی چنین سروده است:

مکن به مشورت نفس زن صفت کاری اگر ز مردی و مردانگی نشان داری
(صائب تبریزی، ۱۳۶۸: ۸۵۱)

احادیث مرتبط با حقوق زن:

حقّ حیات زن :

احادیثی که مرتبط با حقّ حیات زن بوده و از سوی اندیشوران اسلامی به عنوان حدیث موضوعه قلمداد شده‌اند، سه حدیث «دفن البنات من المکرّمات»، «للمرأة ستران القبر والزّوج» و «نعم الصهر القبر» می‌باشند.

حدیث «دفن البنات من المکرمات» (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۵؛ الطبرانی، ۱۱: ۱۴۰۴ / ۳۶۶؛ الطبرانی، ۱۴۱۵: ج ۲ / ۳۷۲)

قائلین به موضوعه بودن حدیث :

در کتب «أحادیث لا تصح» (الخراشی، بی تا: ۱۶)، «الفوائد المجموعه» (الشوکانی، ۱۴۰۷، ج ۱ / ۲۶۶) «تذکره الموضوعات» (فتنی هندی، ج ۱ / ۱۷۶۲)، «اللالی المصنوعه» (سیوطی، بیتا: ج ۲ / ۳۴۶)، «لؤلؤ المرصوع» (العجلونی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۸۱)، «المقاصد الحسنه» (سخاوی، ج ۱ / ۳۴۶)، «ذخیره الحفاظ» (ابن طاهر مقدسی، ۱۴۱۶، ۴ / ۱۹۷۶)، «سلسله الاحادیث الضعیفه و الموضوعه» (ألبانی، ۱۴۱۲، ج ۱ / ۳۳۷)، «الأربعین فی الحدیث و الآثار» (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۴۷)، «بحار الانوار» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۳۰ / ۴۱۶)، «نهایه الدرایه» (صدر، ۱۳۵۴، ج ۱ / ۲۷۷)، «فائق المقال» (البصری، ۲۹ / ۴)، «علم الحدیث شانه چی» (مدیر شانه چی، ۱۳۸۶: ۱۱۰)، «ابن جوزی، ۱۳۸۶: ۳ / ۲۳۶»

حدیث «للمرأه ستران القبر والزواج» (الطبرانی، ۱۴۱۵، ۸ / ۱۵۱؛ متقی هندی، ۱۹۸۹: ۱۶ / ۴۱۳؛ سیوطی، ۱۴۲۳، ۳ / ۲۶) (برای زن، قبر و همسر پوشش خوبی است).

قائلین به وضع حدیث:

حکم به وضع حدیث در برخی کتب اندیشوران ذکر شده است. (ابن جوزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۱۹؛ حشیش، بی تا: ۱ / ۲۴۷؛ ذهبی، بی تا: ۱ / ۳۴۵؛ فتنی هندی، بی تا، ۱ / ۹۲؛ الشوکانی، ۱۴۰۷، ۱ / ۲۶۶؛ ألبانی، ۱۴۱۲: ۳ / ۵۸)

حدیث « نعم الصهر القبر» (ملاعلی قاری، بی تا: ۹ / ۳۳۲)

قائلین به وضع حدیث:

حکم به وضع حدیث در برخی کتب نظیر «اسنی المطالب» (الحوث، ج ۱ / ۳۰۷)، «الاسرار المرفوعه» (ملاعلی قاری، ۱۳۹۱، ج ۱ / ۳۷۱)، «التذکره فی الاحادیث المشتهره» (زرکشی، ۱۴۰۶، ج ۱ / ۱۸۶)، «الجد الحثیث» (العامری، بی تا، ج ۱ / ۱۸۶)، «درر المنتشره» (سیوطی، ۱۴۰۸: ج ۱ / ۲۴۹)، «الفوائد المجموعه» (الشوکانی، ۱۴۰۷: ج ۱ / ۲۰) «لؤلؤ المرصوع» (القاقوجی، ۱۹۹۴، ج ۱ / ۲۱۱)، «المصنوع فی معرفه الحدیث الموضوع» (القاری الهروی، ۱۰۱۴، ج ۱ / ۲۰۲)، «المقاصد

الحسنه» (سخاوی: ج ۱/۱۱۷)، «تذکره الموضوعات» (فتنی الهندی، بی تا: ج ۱/۱۷۶۶)، «المرأه فی موبک الدعوه» (الطحان، ۲۰۰۰: ج ۸:۱) «المفصل فی فقه الدعوه إلى الله تعالی» (الشحود، ۱۴۲۸: ۵۷ / ۸)

تجلی حدیث در شعر:

طبق نوشته های فردوسی هر کس دختر دارد بدبخت است. به نظر می رسد وی با اقتباس از حدیث «نعم الصهر القبر» چنین آورده است:

اگر تاج دارد بداختر بود	کرا از پس پرده دختر بود
به از گور داماد ناید به در	کرا دختر آید به جای پسر

(فردوسی، ۱۳۷۳: ۲۲۲)

خاقانی شروانی نیز جنس دختر را از هر چیز سزاوارتر آغوش خاک دانسته است:

که گور بهتر داماد و دفن اولی تر	اگرچه هست بدینسان خداهش مرگ دهد
و گر ندیدی «دفن البنات» شو بنگر	اگر نخواندی «نعم الختن» برو برخوان
که کاش مادر من هم نزادی از مادر	مرا به زادن دختر چه تهنیت گویند

(خاقانی شروانی، ۱۳۶۸: ۸۸۴)

حدیث: «إستعینوا علی النساء بالغرّی» (سیوطی ۱۹۹۳، ۸ / ۱۵۵؛ سیوطی ۱۴۲۱: ۸ / ۳۵۹۸؛ المتقی الهندی، ۱۹۸۹: ۱۶ / ۳۷۲؛ العبسی الکوفی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۲۰)

قائلین به موضوعه بودن حدیث:

موضوعه بودن حدیث مزبور در کتب «أسنی المطالب» (الحوث، ۱۴۰۳: ۱ / ۵۳)، «الفوائد المجموعه» (الشوکانی، ۱۴۰۷، ج ۱ / ۱۳۵)، «تذکره الموضوعات» (فتنی هندی، بی تا: ج ۱ / ۹۲۶)، «ذخیره الحفاظ» (ابن طاهر المقدسی، ۱۴۱۶: ج ۱ / ۳۹۶)، «لثالی المصنوعه» (سیوطی، بی تا: ج ۲ / ۱۵۳) ذکر شده است.

حدیث «أجیعوا النساء جوعاً غیر مضر وأعروهن عرباً غیر مبرح، لانهن إذا سمن واکتسین فلیس شیء أحب إلیهن من الخروج» (المناولی، ج ۱: ۱۴۱۵ / ۴۹۴؛ الجرجانی، ۱۴۰۴: ج ۱ / ۳۳۲) (زنان را گرسنه و برهنه نگه دارید. چون اگر زنان سیر باشند و لباس داشته باشند، چیزی دوست داشتنی تر از خروج از منزل برای آنها وجود ندارد.)

قائلین به موضوعه بودن حدیث:

از قائلین به موضوعه بودن حدیث می توان به «ابن جوزی» (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۱ / ۲۸۴)، «الشوکانی» (همو، ۱۴۰۷، ج ۱ / ۱۳۵)، «سیوطی» (همو، بیتا: ۲ / ۱۵۴) «فتنی الهندی» (همو، بی تا: ج ۱ / ۹۲۵)، «ابن طاهر مقدسی» (همو، ۱۴۱۶، ج ۱ / ۲۳۷) اشاره نمود.

مضمون احادیث فوق که مخالف با خروج زنان از منزل می باشند در اشعار برخی شعرای فارسی زبان به تصویر کشیده شده است. بنا به سروده سعدی زنی که از خانه خارج شده و در مقابل چشم بیگانگان خودنمایی می کند استحقاق مرگ را دارد. وی در مورد عدم خروج زن از خانه می گوید:

در خرّمی بر سرائی بیند	که بانگ زن از وی برآید بلند
چو زن راه بازار گیرد بزن	وگر نه تو در خانه بنشین چو زن
ز بیگانگان چشم زن دور باد	چو بیرون شد از خانه در گورباد

(سعدی، ۱۳۶۳: ۱۶۳)

اوحدی را نیز می توان از مخالفان خروج زن از خانه دانست. در سروده وی مضمون احادیث فوق کاملاً متجلی است آنجا که دستور کندن لباس زنان را در صورت خروج از منزل و خودنمایی داده است. وی می گوید:

زن چو بیرون رود بزن سختش	خودنمایی کند بکن رختش
ور کند سرکشی هلاکش کن	آب رخ می برد بخاکش کن

(اوحدی مراغه ای، ۱۳۴۰: ۱۱۱)

حقّ دانش اندوزی زن:

از جمله حقوقی که زن به عنوان یک انسان دارد، حقّ دانش اندوزی است که در برخی احادیث نظیر حدیث زیر زنان از چنین حقّی بی بهره می باشند که حدیث مزبور نیز از سوی اندیشوران مسلمان به نقد کشیده شده و موضوعه قلمداد شده است:

حدیث «ولا تعلموهنّ الکتابه و علموهنّ المغزل و..» (طبرسی، بی تا: ۲۳۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۵ / ۷۴۶؛ عروسی حویزی، بیتا: ۳ / ۵۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶ / ۱۸۵؛ بیهقی، ۲ / ۱۴۲۳: ۲ / ۴۷۷؛ متقی الهندی، ۱۶: ۱۹۸۹ / ۳۷۹) (به زنان کتابت یاد ندهید و به آنها نخ ریزی بیاموزید...)

طبق حدیث مزبور در آن زنان به خانه ماندن و چرخ ریزی کردن حکم شده و از تعلیم کتابت منع شده اند.

قائلین به موضوعه بودن حدیث:

موضوعه بودن حدیث فوق در کتب «الموضوعات» (ابن جوزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۶۹)، «تلخیص کتاب الموضوعات» (ذهبی، ۱ / ۲۳۲) «معرفه التذکره» (ابن طاهر المقدسی، ج ۱ / ۲۴۸) و «مجمع الزوائد» (الهیثمی، ۱۴۱۲: ج ۴ / ۱۶۶) و «تنزیه الشریعه المرفوعه» (الکنانی، ۱۹۸۱: ج ۲ / ۲۰۶) و «تحریر المرأه فی عصر الرساله» (ابوشقه، ج ۱ / ۲۸۷)، «سلسله الاحادیث الموضوعه» (ألبانی، ۱۴۱۲: ج ۵ / ۳۰)، «المفصل فی فقه الدعوه إلى الله تعالی» (الشحود، ۱۴۲۸: ۵۷ / ۸) ذکر شده است.

تجلی حدیث در شعر:

«اوحدی مراغه ای» مضمون حدیث «ولا تعلموهنّ کتابه و علموهن المغزل و..» را در

شعر زیر آورده است:

چرخ زن را خدای کرده بحل	قلم و لوح گو به مرد بهل
کاغذ او کفن، دواتش گور	بس بود گر کند بدانش زور
	(اوحدی مراغه ای، ۱۳۴۰: ۱۱۱)

بنا به سروده وی چرخ ریسیدن مختص زن بوده و برای او حلال است. لذا زن باید به آن قانع باشد و قلم و دوات را به مرد واگذار کند.

نتیجه گیری

سخن آخر این که برخی سروده های شعرای فارسی زبان با الهام از احادیث نبوی سروده شده است که با توجه به رونق پدیده وضع و جعل حدیث در حوزه های مختلف زنان و آلوده شدن مصادر حدیثی به روایات موضوعه در مورد زنان، گاه جایگاه و منزلت زنان در سروده های شاعران فارسی زبان سرکوب شده و حتی بر هویت انسانی زنان نیز تاخته شده است. بررسی ها نشان می دهد که شعرهای زن ستیزانه شعرای فارسی زبان با اعتماد و اقتباس از احادیثی سروده شده است که توسط اندیشوران مسلمان مورد نقد قرار گرفته و به عنوان احادیث جعلی و موضوعه شناسانده شده اند؛ لذا از مبنای صحیحی برخوردار نمی باشند.

منايع و مأخذ

- ١- ابن بطال، ابوالحسن، (١٤٢٣)، شرح صحيح البخارى، الرياض: مكتبة الرشد
- ٢- ابن جوزى، ابوالفرج، (١٤١٥)، الموضوعات، دارالكتب العلميه
- ٣- ابن منظور، محمد بن مكرم، (١٤١٤)، لسان العرب، چاپ سوم، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر
- ٤- ابوشقه، عبد الحليم، (١٤٢٠)، تحرير المرأه فى عصر الرساله، القاهره: دار القلم
- ٥- احسانى، ابن ابى جمهور، (١٤٠٥)، عوالى اللآلى، قم: انتشارات سيد الشهداء
- ٥- ألبانى، ناصر الدين، (١٤١٢)، سلسله الأحاديث الضعيفه والموضوعه وأثرها السيئ فى الأمة، الرياض: دار المعارف، الطبعة الأولى
- ٦- اوحدى مراغه‌اى، ركن الدين، (١٣٤٠)، كليات اوحدى، با تصحيح و مقابله و مقدمه سعيد نفيسى، تهران: انتشارات امير كبير.
- ٧- البصرى، محمد بن عبدالرضا، (بى تا)، فائق المقال فى الحديث و الرجال، مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل البيت.
- ٨- البغدادى، أبى الفرج عبد الرحمن ابن شهاب الدين، (١٤٢٢)، فتح البارى، السعوديه: دار ابن الجوزى.
- ٩- البيهقى، أبوبكر، (١٤٢٣)، شعب الايمان، تحقيق: الدكتور عبد العلى عبدالحميد حامد، مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفيه ببومباى بالهند، الطبعة الأولى
- ١١- الجرجانى، عبدالله بن عدى، (١٤٠٩)، الكامل فى الضعفاء، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩ق.
- ١٢- الجوهرى البغدادى، (١٤٠٩)، مسند ابن الجعد، تحقيق: عامر أحمد حيدر، الناشر: مؤسسه نادر - بيروت، الطبعة الأولى

- ۱۳- الحاکم النیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۱)، مستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار الکتب العلمیه - بیروت، الطبعة الأولى
- ۱۴- الحُرّ العاملی، مُحَمَّد بن الحسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الأولى
- ۱۵- الحشیش، علی، (بی تا)، سلسله الأحادیث الواهیة، بی جا
- ۱۶- الحوت، محمد درویش، (۱۴۰۳)، أسنى المطالب فى احادیث مختلفه المراتب، دار الکتب العلمیه
- ۱۷- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل، (۱۳۶۸)، دیوان خاقانی، تصحیح دکتر ضیاء الدین سجادی، تهران: زوآر
- ۱۸- الدیلمی الهمذانی، ابو شجاع، (۱۴۰۶)، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق السعید بن بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیه
- ۱۹- ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۹)، تلخیص کتاب الموضوعات، مکتبه الرشد
- ۲۰- راغب اصفهانی، (۱۴۱۲)، مفردات فى غریب القرآن، دارالعلم، الدار الشامیه، دمشق بیروت، چاپ اول.
- ۲۱- زمخشری، جارالله، (۱۴۱۲)، ربیع الأبرار و نصوص الأخیار، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- ۲۲- السخاوی، شمس الدین، (بی تا)، مقاصد الحسنه فى بیان کثیر من الاحادیث المشتهره علی الالسنه، بیروت، بی جا.
- ۲۳- سعدی شیرازی، مصلح الدین، (۱۳۶۳)، بوستان، انتشارات اتحاد.
- ۲۴- _____، (۱۳۷۴)، گلستان، چاپخانه مروی، چاپ دهم.
- ۲۵- سیوطی، تدریب الرأوی، (۱۴۰۵)، تحقیق دکتر احمد عمر هاشم، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۲۶- سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، (۱۴۰۸)، درر المنتثره، دارالکتب العلمیه.
- ۲۷- _____، (۱۴۲۳)، الفتح الکبیر فى ضم الزیاده إلى الجامع الصغیر، دار النشر: دار الفکر

- ٢٨- _____ ، (١٩٩٣)، الدر المثلثور ، بیروت : دار الفكر
- ٢٩- _____ ، (بی تا)، اللالی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه، الناشر:
دارالکتب العلمیه.
- ٣٠- شبستری، شیخ محمود، (١٣٨٨)، تهران: شرکت انتشارات اسلامی علمی و فرهنگی.
- ٣١- شحاته، عبدالله، (بی تا)، المرأه فی الاسلام بین الماضي و الحاضر، الهیئه المصریه العامه الکتاب.
- ٣٢- الشحود، علی بن نایف، (١٤٢٨)، المفصل فی فقه الدعوه إلی الله تعالی، بی جا.
- ٣٣- صادق سرمد، (١٣٤٧)، دیوان صادق سرمد، تهران: چاپخانه بهمن.
- ٣٤- صائب تبریزی، (١٣٦٨)، دیوان، نشر طلوع، چاپ پنجم.
- ٣٥- صدر، سید حسن، (١٣٥٤)، النهایه الدراییه فی شرح الرساله الموسومه بالوجیزه للبهائی، نشر المشعر، تحقیق الماجد الغرباوی.
- ٣٦- الطبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد، (١٤١٥)، المعجم الأوسط، طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهیم الحسینی.
- ٣٧- الطبرانی ، سلیمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم ، (١٤٠٤)، المعجم الكبير، الموصل: مكتبة العلوم والحكم
- ٣٨- طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، مکارم الأخلاق، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت
- ٣٩- الطحان، مصطفی محمد، المرأه فی موكب الدعوه، بی جا، بی تا.
- ٤٠- الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، (١٣٧٥)، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- ٤١- عاملی، بهاء الدین، (١٣٩٠)، الأربعین فی الاحادیث و الآثار، سازمان کتابخانه ها وموزه های آستان قدس رضوی.
- ٤٢- العبسی الکوفی ، ابو بکر عبد الله بن محمد بن أبی شیبه، (بی تا)، مصنف ابن ابی شیبه، تحقیق : محمد عوامه ، طبعه الدار السلفیه الهندیه القدیمة

- ۴۳- العجلونی، اسماعیل بن محمد، (۱۴۰۸)، كشف الخفاء، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق
- ۴۴- عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، (بی تا)، تفسیر نور الثقلین، چاپ علمیه قم.
- ۴۵- فتنی هندی، محمد طاهر بن علی، (بی تا)، تذکره الموضوعات، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت.
- ۴۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.
- ۴۷- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، شاهنامه، انتشارات توس.
- ۴۸- فیومی، (۱۴۲۵)، المصباح المنیر، قم، دارالهجره.
- ۴۹- قریشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، تهران.
- ۵۰- قمی، عباس، سفینه البحار، مؤسسه انتشارات فراهانی، چاپ اول.
- ۵۱- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، نشر اسلامیه.
- ۵۲- مامقانی، سید عبدالله، (۱۹۸۹)، مقباس الهدایه فی علم الدرایه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام
- ۵۳- المتقی الهندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، مؤسسه الرساله.
- ۵۴- مجدی، سید عطاء الله، گلهای جاویدان، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش
- ۵۵- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ۵۶- معیری، محمد حسن، (۱۳۸۳)، کلیات رهی معیری، تهران: انتشارات زوار، چاپ چهارم
- ۵۷- ملا علی القاری، (۱۳۹۱)، الأسرار المرفوعه فی اخبار الموضوعه، ناشر دار الأمانه / مؤسسه الرساله
- ۵۸- _____، (بی تا)، نورالدین، مرقاه المفاتیح، مکتبه الإسلامیه.

- ۵۹- المناوی، عبد الرؤوف، (۱۳۵۶)، فیض القدير شرح الجامع الصغیر، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، الطبعة الأولى.
- ۶۰- مولانا، جلال الدین، (۱۳۸۲)، غزلیات، نشر دوستان، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، چاپ دوم.
- ۶۱- _____، (۱۳۶۹)، مثنوی، انتشارات زوار، چاپ دوم.
- ۶۲- مهیار، رضا، (بی تا)، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، بی جا.
- ۶۳- الهیثمی، نور الدین، (۱۴۱۲)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالفکر.